

نوع مقاله : پژوهشی

بررسی الگوهای استقرار دوره اشکانی در دشت گیلان غرب (استان کرمانشاه)

هوشنگ رستمی^{۱*}، رضا مهرآفرین^۲، سیدرسول موسوی حاجی^۳

چکیده

با شروع پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران در قرن بیستم، نقش حوزه جغرافیایی غرب ایران و زاگرس مرکزی در ارتباط بین نواحی میان‌رودان و بخش‌های مرکزی فلات ایران به‌عنوان دو بستر مهم شکل‌گیری تمدن‌های جنوب غرب آسیا، توجه گروه کثیری از باستان‌شناسان داخلی و خارجی را به خود جلب کرد و سرآغاز روند مطالعات باستان‌شناسی این حوزه شد. در این میان حدود سیاسی استان کرمانشاه که بخش قابل توجهی از نواحی زاگرس مرکزی را در بر گرفته اهمیتی به‌سزا داشت، اما دشت گیلان غرب در منتهی‌الیه غربی این منطقه و دامنه‌های زاگرس مرکزی در نزدیکی سرزمین میان‌رودان، علی‌رغم بهره‌مندی از نقشی کلیدی در شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین محورها ارتباطی دنیای باستان، از نظر پژوهش‌های باستان‌شناختی، علی‌رغم اهمیت آن، مغفول مانده است. وسعت نه‌چندان زیاد این دشت در قیاس با حوزه جغرافیایی زاگرس مرکزی؛ اگرچه احتمال حصول نتایج نو و متفاوت را کم‌رنگ می‌کند؛ اما با این‌همه نمی‌توان از اهمیت و جایگاه ویژه این منطقه در شکل‌دهی مناسبات فرهنگی و روابط تمدن ساز حوزه جنوب غرب آسیا چشم پوشید. پژوهش حاضر به‌عنوان بخشی از طرح باستان‌شناسی دشت گیلان غرب (بخش مرکزی) به دنبال دستیابی به پاسخ این سؤال است که کدام عوامل محیطی در توزیع فضایی محوطه‌های اشکانی منطقه گیلان غرب تأثیرگذار بوده‌اند؟ مقایسه تطبیقی و گاه‌نگاری نسبی صورت گرفته بر اساس نمونه سفال‌های جمع‌آوری شده طی این طرح منتج به شناسایی ۲۹ محوطه و استقرار قابل انتساب به دوره اشکانی، در این حوزه بود. هدف از انجام این پژوهش مطالعه الگوی استقرار محوطه‌های اشکانی شناسایی شده در دشت گیلان غرب با نرم‌افزار GIS و تحلیل تأثیر عوامل محیطی چون ارتفاع و امکان دسترسی به منابع آبی، پوشش گیاهی منطقه، آب‌وهوای منطقه، دسترسی به مسیرهای ارتباطی و شیب سطحی زمین بر الگوی پراکندگی‌های این محوطه‌هاست. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به سرانجام رسیده است. الگوی پراکندگی محوطه‌ها از دهستان حومه تا چله و دیره به‌صورت خطی در امتداد رودخانه‌ها و منابع آبی برای افزایش سهولت دسترسی به آب و در نزدیکی زمین‌های مرغوب برای کشاورزی و مراتع برای چرای دام‌ها، نشان از این مهم دارد که احتمالاً الگوی معیشتی در این دوره بر پایه کشاورزی آبی/دیمی و گله‌داری شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: گیلان غرب، بررسی باستان‌شناسی، دوره اشکانی، الگوی استقرار، GIS.

ارجاع: رستمی، هوشنگ؛ مهرآفرین، رضا؛ موسوی حاجی، سید رسول. ۱۴۰۱. بررسی الگوهای استقرار دوره اشکانی در دشت گیلان غرب (استان کرمانشاه). نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۷ (۲): ۱۱۹-۱۳۵.

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

* نویسنده مسئول: Rostami.houshang@yahoo.com

۲. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

مقدمه

زاگرس مرکزی در چهارچوب مطالعات باستان‌شناسی جنوب غرب آسیا و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معابر مواصلاتی منطقه، همواره اهمیتی به‌سزا داشته است. امروزه باگذشت نزدیک به یک قرن از بازدیدهای علمی اورل استین (Stein, 1940) و تدوین نخستین نقشه راه‌های باستانی حوزه غرب ایران از ایشان، همچنان می‌توان اذعان کرد که جاده‌ها و معابری کنونی منطقه تنها راه‌های ارتباطی موجود در درازنای تاریخ بوده و کلیه اجتماعات و استقرارهای انسانی به فاصله‌ای اندک از آن شکل گرفته‌اند. از مهم‌ترین مسیرهای مواصلاتی این حوزه می‌توان به محور جنوب غربی - شمال شرقی مابین میان‌رودان و افغانستان اشاره کرد که از جنوب آشور آغاز شده و با عبور دشت‌ها و هامون‌های میانکوهی قصر شیرین، کنگاور و همدان به ساوه و ری می‌رسید (مجید زاده، ۱۳۶۶: ۳-۲)، این معبر از حدود قرون میانه دوران اسلامی با عنوان جاده خراسان بزرگ شناخته و معرفی می‌شد (Ibdi, 1999:33).

مؤلفه‌های جغرافیایی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری محوطه‌های باستانی در هر منطقه است. همان‌گونه که انسان امروزی نیز ناگزیر است در تعیین منطقه یا مناطق خود عوامل جغرافیایی را در نظر بگیرد. در دوران پیش از تاریخ و تاریخی نیز عوامل مهمی همچون زمین قابل کشت یا شخم، میزان بارندگی، دسترسی به منابع آبی، دسترسی به مراتع و دسترسی به سوخت بسیار تعیین‌کننده بوده‌اند (هول، ۱۳۸۱: ۳۴ و ۳۵). استقرارهای باستانی با اجزای مختلف محیط ارتباطی چند سویه داشته و این تعامل در کم و کیف پراکندگی محوطه‌ها نقشی به‌سزا ایفا می‌کند (میرقادری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

باستان‌شناسان معمولاً پس از پایان بررسی‌های میدانی و برای درک وضعیت منطقه و الگوهای بهره‌برداری از طبیعت، روابط درون و برون استقرار و نقش عوامل مختلف در شکل‌دهی به پراکنش محوطه‌ها و آثار تاریخی دست به تحلیل الگوهای زیستگاهی می‌زنند (هول، ۱۳۹۴). مطالعه تعداد، اندازه و ویژگی‌های مکان‌های باستانی، رابطه‌ی فضایی آن‌ها با یکدیگر و توجه به متغیرهایی مانند جاده، رودخانه، کیفیت و نوع زمین از هدف‌های روش تحلیل زیستگاهی است (Hole, 1980). چهار مرحله عمده در تحلیل زیستگاهی وجود دارد که داده‌های لازم برای تفسیر آن‌ها باید هنگام بررسی گردآوری شود:

الف: گردآوری مواد از مکان‌های باستانی برای مشخص کردن گاه نگاری استقرارها. ب: تحلیل رابطه‌ی بین الگوی اسکان و زیستگاه با نوع معیشت در خصوص موقعیت مکان‌ها با منابع طبیعی. ج: تحلیل فشردگی، توزیع فضایی و اندازه‌ی مکان‌ها و درنهایت تحلیل دگرگونی‌های جمعیتی در منطقه. د: سنجش فرضیه‌های مشخص در یافتن ارتباط بین زیستگاه و متغیرهای طبیعی و فرهنگی (علیزاده، ۱۳۹۳: ۱۵۲). در تحلیل استقرار فرض بر این است که شکل‌گیری استقرارهای انسانی تصادفی نبوده؛ چراکه رفتارهای انسانی همواره هنجارمند و الگوپذیر هستند و این الگو از طریق مطالعات باستان‌شناسی قابل‌شناسایی است (نوبری و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۹۷).

بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در باستان‌شناسی نتیجه‌تکثیر و در دسترس بودن برنامه‌های جغرافیایی، پیشرفت در فناوری رایانه و فراوانی داده‌های مکانی در زمینه باستان‌شناسی است. از آغاز دهه ۹۰ میلادی باستان‌شناسان با بهره‌گیری از GIS توانستند متغیرهایی مانند مسافت بین محوطه‌ها، انواع معماری و دست‌ساخت‌ها را که در باستان‌شناسی چشم‌انداز وجود دارد را کشف و تجزیه و تحلیل کنند (حیدریان و همکاران، ۱۳۹۶). برای ثبت اطلاعات باستان‌شناسی در سیستم اطلاعات جغرافیایی و تشکیل پایگاه اطلاعاتی سه مرحله وجود دارد: ۱. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز و پیش‌پردازش ۲. مدیریت داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها ۳. تولید خروجی (بهبودی، ۱۳۸۰: ۱۰۳). تجزیه و تحلیل در سیستم اطلاعات جغرافیایی که از اهمیت بالایی در مطالعات منطقه‌ای برخوردار است که عبارتند از: تحلیل الگوی استقرار، مکان مرکزی، الگوی نزدیک‌ترین همسایه، الگوی حوضه آبریز و الگوی پیش‌بینی (حیدریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹).

تعامل استقرارهای دوره‌های اشکانی و ساسانی با عوامل محیطی به سبب وسعت و تراکم بالا پیچیدگی بیشتری نسبت استقرارهای ادوار پیش‌تر داشت. نواحی غربی ایران عمدتاً مشتمل بر ارتفاعات کوهستانی، کوهپایه‌ها، دشت‌های آبرفتی میانکوهی و دره‌های کوهستانی است. یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه و افزایش شمار محوطه‌های اشکانی در این مناطق، تعالی شناخت و بهره‌وری اشکانیان در برداشت از زمین‌ها و مراتع کوهستانی برای کشاورزی و گله‌داری بود. علاوه بر این ارتقا سطح توان‌مندی محیطی و بستر مستعد دشت‌های میانکوهی منطقه بر جاذبه‌های محیطی آن افزوده و زمینه‌ساز جذب اجتماعات کشاورز و دامپرور طی دوره اشکانی به این مناطق بود. در کنار علل مذکور تداوم و توسعه روند تعامل از طریق

جاده‌های مواصلاتی کوهستانی بین نواحی مرکزی فلات ایران و میان‌رودان طی دوره اشکانی، بر جاذبه زیستگاهی این منطقه افزود (ونکه، ۱۳۸۱: ۵۰۱ و ۵۰۲).

شهرستان گیلان غرب در منطقه پست و کم ارتفاع واقع گردیده و آب‌وهوای کنونی آن از نوع گرم و نیمه‌خشک است. بین آب‌وهوای نیمه شرقی و آب‌وهوای نیمه غربی شهرستان گیلان غرب هم تفاوتی احساس می‌شود، به این معنی که بخش شرق و شمال شرق آن که حوالی ارتفاعات شرقی نظیر کوه قلاجه و کچل بیمار و دار بادام منطقه سردسیر است که دارای زمستان‌های به نسبت سرد و تابستانی معتدل و خنک است. بخش سردسیری آن، دهستان‌های چله، گاور، شهر سرمست، ژاومرگ، داربادم، سیدایاز و تا حوالی روستای کل‌کش را دربر می‌گیرد. بخش گرمسیری که از پایین دست کوه سریوان شروع و تا مناطق نفت شهر، سومار و قصر شیرین ادامه دارد. این بخش دارای دهستان ویشنان، دهستان دیره و مراتع گرمسیری گیلان غرب است. این تفاوت آب‌وهوا سبب شده است که در حوزه شهرستان مناطق ییلاقی برای تابستان گذرانی و گرمسیری برای زمستان گذرانی توأم در یک شهرستان گرد آید. موقعیت شهر گیلان غرب به گونه‌ای است که می‌توان آن را نقطه‌ای بین سردسیر و گرمسیر دانست به طوری که در جهت شرق به منطقه سردسیر و در جهت غرب و جنوب به منطقه گرمسیر ختم می‌شود (علیزاده گیلانی، ۱۳۹۰: ۱۶ و ۱۷).

ویژگی جغرافیای گیلان غرب نشان از وضعیت مناسب این منطقه برای شکل‌گیری استقرارهای انسانی در دوره‌های مختلف از دوره پیش از تاریخ تا دوران اسلامی دارد. بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی گیلان غرب در آبان و آذر ۱۳۹۸ به سرپرستی نگارنده نخست به سرانجام رسید^۱ در این بررسی ۵۰ محوطه باستانی شناسایی شد که شواهد فرهنگی به دست آمده از این استقرارها دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی را دربر می‌گیرد. از این تعداد ۲۹ محوطه مربوط به دوره اشکانی است. لازم به ذکر است در این پژوهش از داده‌های سفالی لایه‌نگاری تپه قلا گیلان غرب در دوره اشکانی به عنوان استقرار مرکزی دشت گیلان غرب استفاده شده است.

پرسش اصلی پژوهش

پرسش مهم این پژوهش، پیرامون عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری استقرارهای دوره اشکانی در منطقه گیلان غرب است. در پاسخ به این پرسش متغیرهای محیطی نظیر ارتفاع، امکان دسترسی به منابع آبی، پوشش گیاهی منطقه، دسترسی به مسیرهای ارتباطی، آب‌وهوای منطقه و شیب سطحی زمین که در شکل‌گیری استقرارها نقشی تعیین‌کننده داشته، مدنظر قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی است و بر اساس ماهیت و روش ذیل تحقیقات تاریخی و توصیفی - تحلیلی قرار می‌گیرد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از داده‌های مستخرج از بررسی باستان‌شناسی و تلفیق آن با اطلاعات جغرافیایی و استفاده از نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی یا GIS، تا حد امکان به درک روشنی از دلایل شکل‌گیری استقرارها طی دوران اشکانی در این منطقه دست یافت.

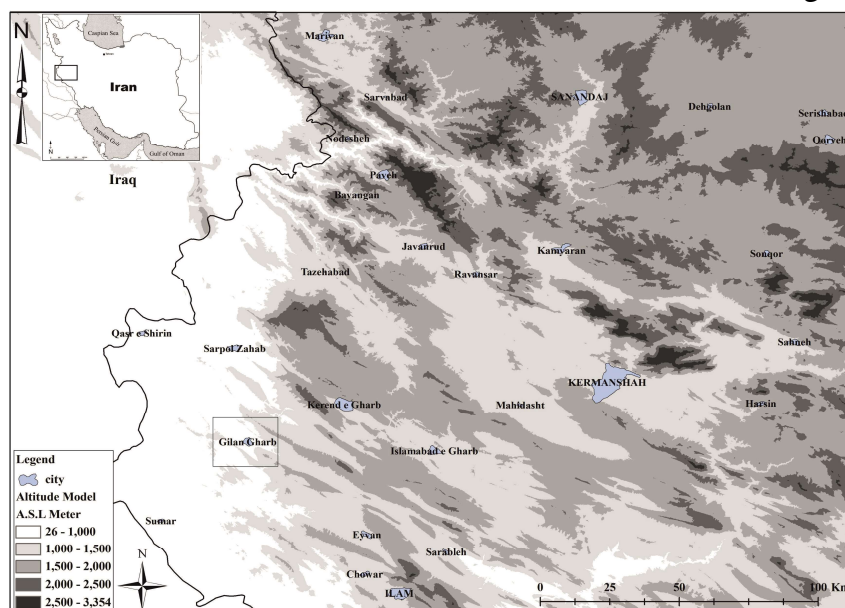
پیشینه مطالعاتی منطقه

بررسی‌های باستان‌شناختی مستمری از طرف میراث فرهنگی و پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، در غرب ایران انجام گرفته که در مواردی نتایج آن منتشر شده است (عبدی، ۱۳۸۰ و نیکنامی و همکاران، ۱۳۹۴). علاوه بر این کاوش‌ها و گمانه‌زنی‌های متعددی در منطقه غرب استان کرمانشاه انجام گرفته که بیشتر این فعالیت‌ها طرح‌های برای تعیین عرصه و حریم و یا کاوش نجات اضطراری محوطه‌ها (نجات بخشی) بوده است. در این میان گیلان غرب با داشتن محوطه‌ها و استقرارهای مهم باستانی، سهم چندانی از پژوهش‌های باستان‌شناسی، در غرب منطقه‌ی زاگرس مرکزی به خود اختصاص نداده است. در سالیان اخیر شماری بررسی و کاوش در این منطقه انجام شده است. بجز بازدید گذرای هنری راولینسون در ۱۸۳۶ م. که در آن به «تپه قلا»

در مرکز شهر کنونی گیلان غرب اشاره کرده (راولینسون، ۱۳۶۲)، گزارش دیگری از حضور باستان‌شناسان و برنامه‌های پژوهشی آن‌ها تا نیمه دوم قرن بیستم میلادی در دست نیست. در سال ۱۳۴۷ ه. ش. هیأتی از باستان‌شناسان ایرانی به سرپرستی علی‌اکبر سرفراز برخی از آثار تاریخی منطقه چون تپه قلا را بررسی و در سال بعد در فهرست آثار ملی به ثبت رساندند. اندکی بعد در دهه ۱۹۷۰ م. دامنه بررسی‌های لویی واندنبرگ در منطقه ایلام و ایوان به منطقه گیلان غرب نیز ادامه یافت و وی با بازدید از بنای «چهارتاقی خالوخالو» موسوم به «امامزاده گیلان غرب» (Vanden Berghe, 1977) اطلاعاتی از این بنای دوره ساسانی منتشر کرد. این هیأت در برخی از گورستان‌های حاشیه رودخانه «کنگیر»^۳ (در بخش جنوبی شهرستان گیلان غرب) چون «گورستان جوب گوهر» کاوش‌هایی انجام داد. حوالی سال ۱۳۴۵ ه. ش. مسعود گلزاری از «شلین» در دهستان دیره بازدید به عمل آورد (گلزاری و جلیلی، بی‌تا). در زمستان ۱۳۸۰ خورشیدی برنامه بررسی و شناسایی شهرستان گیلان غرب از سوی داریوش فرمانی انجام گرفت که تنها بخش گاور ۴ به سرانجام رسید و نتیجه آن در نهایت ثبت ۶۱ اثر از دوره‌های مختلف بود (فرمانی، ۱۳۸۰). در سال ۱۳۸۳ ه. ش. در حوزه آبخیز سد گله‌شگ، از طرف پژوهشکده باستان‌شناسی یک فصل کاوش نجات‌بخشی به سرانجام رسید (رضوانی، ۱۳۸۳ و Mohammadifar et al, 2014). از سال ۱۳۸۴ ه. ش. کاوش‌های نجات‌بخشی دیگری در منطقه «سراب مورد» گیلان غرب به سرپرستی یوسف مرادی به سرانجام رسید (Moradi, 2016). در سال ۱۳۸۶ ه. ش. بررسی و شناسایی گیلان غرب، از سوی رضا نوری انجام گرفت. این بررسی و شناسایی به پایان نرسید و فقط گزارش بخش گاور آن در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه موجود است (نوری، ۱۳۸۶). سال ۲۰۱۹ م. شواهد یک دیوار عظیم مربوط به دوره اشکانی و ساسانی به نام «گه‌وری» به طول تقریبی ۱۱۵ کیلومتر در کوه «به‌مو» از سوی سجاد علی‌بیگی در مجله *Antiquity* منتشر گردید (Alibaigi, 2019).

جغرافیای طبیعی منطقه

گیلان غرب در طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۷ دقیقه در غرب استان کرمانشاه واقع است (شکل ۱). شهرستان گیلان غرب از طرف شمال به شهرهای سرپل ذهاب و کرد، از شرق به اسلام‌آباد غرب و شیروان چرداول، از جنوب به ایوان غرب و سومار و از سمت غرب به نفت شهر و قصر شیرین متصل است (علیزاده گیلانی، ۱۳۹۰: ۷). حدود سیاسی این شهرستان ۲۲۳۰ کیلومتر مربع وسعت دارد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، ۱۳۷۵) و بر اساس آمار سال ۱۳۸۰ ه. ش. دارای ۱۸/۴۰۸ نفر جمعیت است (طرح توسعه و عمران، ۱۳۸۵: ۱۵۵) که ۳/۱۱ درصد کل جمعیت استان را تشکیل می‌دهد (همان: ۱۵۲).



شکل ۱- موقعیت شهرستان گیلان غرب در زاگرس مرکزی (با سپاس از آقای سعید بهرامیان)

بنا بر توصیف هنری راولینسون در نیمه قرن نوزدهم میلادی «جلگه گیلان در میان ارتفاعات سنبله و انارش قرار گرفته و از نهر قابل توجهی که بین قصر شیرین و خانقین به حلوان می‌پیوندد آبیاری می‌گردد، در این جلگه کشت برنج به حد وفور رواج دارد» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۲۵) (شکل ۲). شهرستان گیلان غرب در دل رشته‌کوه زاگرس جای گرفته و بیشتر نواحی آن را ارتفاعات بزرگ و کوچک احاطه کرده است. در شمال و شرق دو رشته‌کوه قرار دارد، که این ارتفاعات در شمال دهستان دیره همانند حائل بین سرپل زهاب و گیلان غرب قرار گرفته است. رشته دوم ارتفاعات شمالی گیلان غرب از بلندی‌های «بازی‌دراز» که مشرف بر دهستان «کوره‌گیر» است شروع می‌شود تا به بلندی‌های «سنبله» در جنوب دهستان می‌رسد. بلندترین ارتفاع منطقه ۲۵۰۰ متر بلند دارد. رشته کوه شرقی گیلان غرب «سره‌یوان» است که از شرق «سراب مورد» شهر گیلان غرب شروع و تا جنوب دهستان چله بانام «براله» ادامه یافته است (علیزاده گیلانی، ۱۳۹۰: ۱۳).

شهرستان گیلان غرب به دلیل داشتن دشت‌های حاصلخیزی همچون: دشت ویشنان، دشت دیره، دشت کفرآور، دشت چله و دشت گواور، دارای شرایط مناسب زیست محیطی برای زندگی کوچ‌نشینی و دایم است. از مهم‌ترین این دشت‌ها، دشت گیلان غرب است. این دشت از سراب «مورد» گیلان شروع، و تا حوالی چم امام حسن جزء حوزه شهرستان گیلان غرب، ادامه دارد. مساحت دشت گیلان غرب ۱۲۰۰۰ هزار هکتار است (طرح توسعه و عمران، ۱۳۸۵: ۵۴). گیلان غرب دارای منابع آبی و رودخانه‌های بسیاری بوده که عبارتند از: رودخانه دیره، رودخانه کنگاکوش، رودخانه کنگیر (گه‌نگیر)، رودخانه گواور، سراب نفتولی، رودخانه کاسه‌گران، چشمه سه‌کوزان، چم امام حسن، چشمه رش‌مین، چشمه آوزین، چشمه شورابه، چشمه‌های سرپلک، داربید، نیان و قیلان، چشمه نظامی، چشمه زینل‌خان، چشمه پهن، چشمه میوانه، چشمه مورینه، چشمه حاج‌گه، چشمه سرگوقمگه و سایر چشمه‌هایی که در دهستان حومه شهر سرمست وجود دارند. بیشتر این چشمه‌ها در سال‌های اخیر خشکیده یا بسیار کم آب گردیده و تعداد معدودی رودخانه‌ی جاری باقیمانده است (علیزاده، ۱۳۹۰: ۱۷). سراب گیلان غرب سرچشمه تأمین آب آشامیدنی شهر گیلان غرب و دهستان ویشنان است و از آب آن برای آبیاری مزارع اطراف شهر هم استفاده می‌شود. این سراب سرچشمه رودخانه گیلان است که در منطقه تنگاب (ته‌نگاو) به خاک عراق می‌ریزد (طرح توسعه و عمران، ۱۳۸۴: ۱۸).

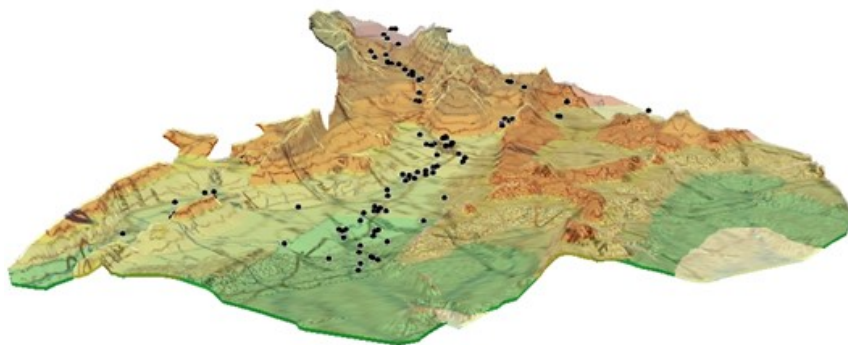


شکل ۲- موقعیت بخش مرکزی گیلان غرب (برگرفته از نقشه Google Earth)

استقرارهای اشکانی

طی بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی گیلان غرب (دهستان‌های چله، حومه، دیره و ویژنان)، ۵۰ محوطه به دست آمد (شکل ۳). محوطه‌های مدنظر این پژوهش طی پروژه بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی گیلان غرب شناسایی شده است. پس از انجام بررسی گونه شناختی و گاه نگاری نسبی سفال‌ها، ۲۹ محوطه به دوره اشکانی و سایر محوطه‌ها به دوره‌های نوسنگی، مس-سنگی، مفرغ، آهن، ساسانی و دوره اسلامی تعلق دارد.

آثار و محوطه‌های شناسایی شده طی این بررسی از دیدگاه ریختی شامل تپه‌ها و پشته‌های برجسته و محوطه‌های هموار است. شایان ذکر است که اکثر محوطه‌های مذکور طی چند دهه گذشته با دنبال توسعه اراضی کشاورزی یا دچار آسیب‌های جدی شده و یا به‌طور کامل تسطیح گشته و جز ردی از آن‌ها باقی نیست (شکل ۴ و ۵)؛ به همین دلیل در برخی موارد امکان تعیین ساختار و حدود دقیق محوطه میسر نبوده و تنها به استناد پراکندگی شواهد سطحی از جمله قطعات سفال می‌توان به وجود و حد تقریبی وسعت آن‌ها پی برد. بر اساس نتایج حاصل از بررسی صورت گرفته طی دوره اشکانی شاهد افزایش تعداد استقرارها نسبت به دیگر دوره‌ها بوده که از آن جمله می‌توان به شناسایی ۱۱ محوطه در دهستان چله (شکل ۶ و ۷)، ۱۲ محوطه در دهستان حومه، ۲ محوطه در دهستان دیره و ۳ محوطه در دهستان ویژنان اشاره کرد که جملگی دارای گونه‌های شاخص سفالی منسوب به دوره اشکانی و قابل مقایسه با حوزه‌های غرب و جنوب غرب ایران (هرینک، ۱۳۷۶)، هگمتانه (آذرنوش و همکاران، ۱۳۹۲)، قلعه یزدگرد (خسروزاده و همکاران، ۱۳۹۹ و Khosrozadeh et al, 2018)، سفال‌های اشکانی محوطه پارتی بیستون (علی بیگی، ۱۳۸۹)، نهاوند (رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰) و دشت قروه کردستان (مافی و همکاران، ۱۳۸۸) بودند. علاوه بر این نمونه سفال‌های به دست آمده از نخستین فصل کاوش لایه‌نگاری تپه قلا در میانه شهر گیلان غرب از سوی نگارنده نخست نیز، امکان معرفی این تپه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین استقرارهای اشکانی منطقه و حتی استقرار مرکزی آن ممکن می‌سازد (جدول ۱). بررسی اجمالی داده‌های حاصل از محوطه‌های مورد اشاره، دسته‌بندی آن‌ها را ذیل دو عنوان استقرارهای تک دوره‌ای و چند دوره‌ای امکان‌پذیر کرده که در تجمیع با تحلیل اجمالی مؤلفه‌های محیطی نظیر منابع آب، سهولت دسترسی به آن، توان بهره‌برداری از اراضی حاصلخیز و دسترسی به مراتع این مسأله را روشن می‌کند که طی دوره اشکانی افزایش امکان شکل‌گیری استقرارهای وابسته به کشاورزی منجر شکل‌گیری استقرارهای پایا و چند دوره‌ای شده و محوطه‌های تک دوره‌ای کوچک، کم وسعت و فاقد لایه‌های استقرار ضمیم نیز به احتمال فراوان مربوط به استقرارهای فصلی یا عشایری متکی به دامپروری بوده است. با توجه به پراکندگی نسبتاً همسان محوطه‌ای اشکانی در دو دهستان حومه و چله، پراکنش اندک استقرارها در دهستان دیره بسیار جای تأمل داشته که می‌تواند ریشه در فرآیند توسعه زمین‌های کشاورزی و تسطیح شدن محوطه‌ها داشته باشد.



شکل ۳- پراکندگی محوطه‌های بدست آمده در بررسی بخش مرکزی گیلان غرب (نگارندگان، ۱۴۰۰)



شکل ۴- محوطه چیا عرب، دید از غرب، آسیب‌های وارده به محوطه (نگارندگان، ۱۳۹۹)



شکل ۵- محوطه چیا عرب، دید از جنوب، تسطیح محوطه به منظور بهره‌برداری کشاورزی (نگارندگان، ۱۳۹۹)

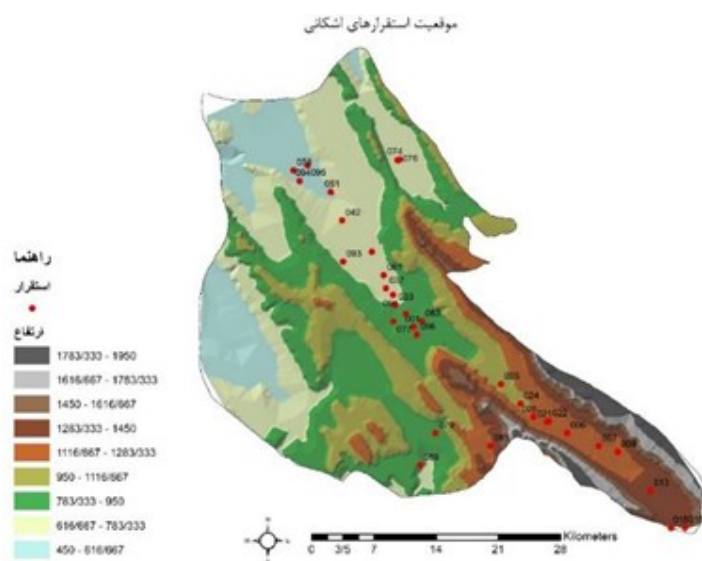
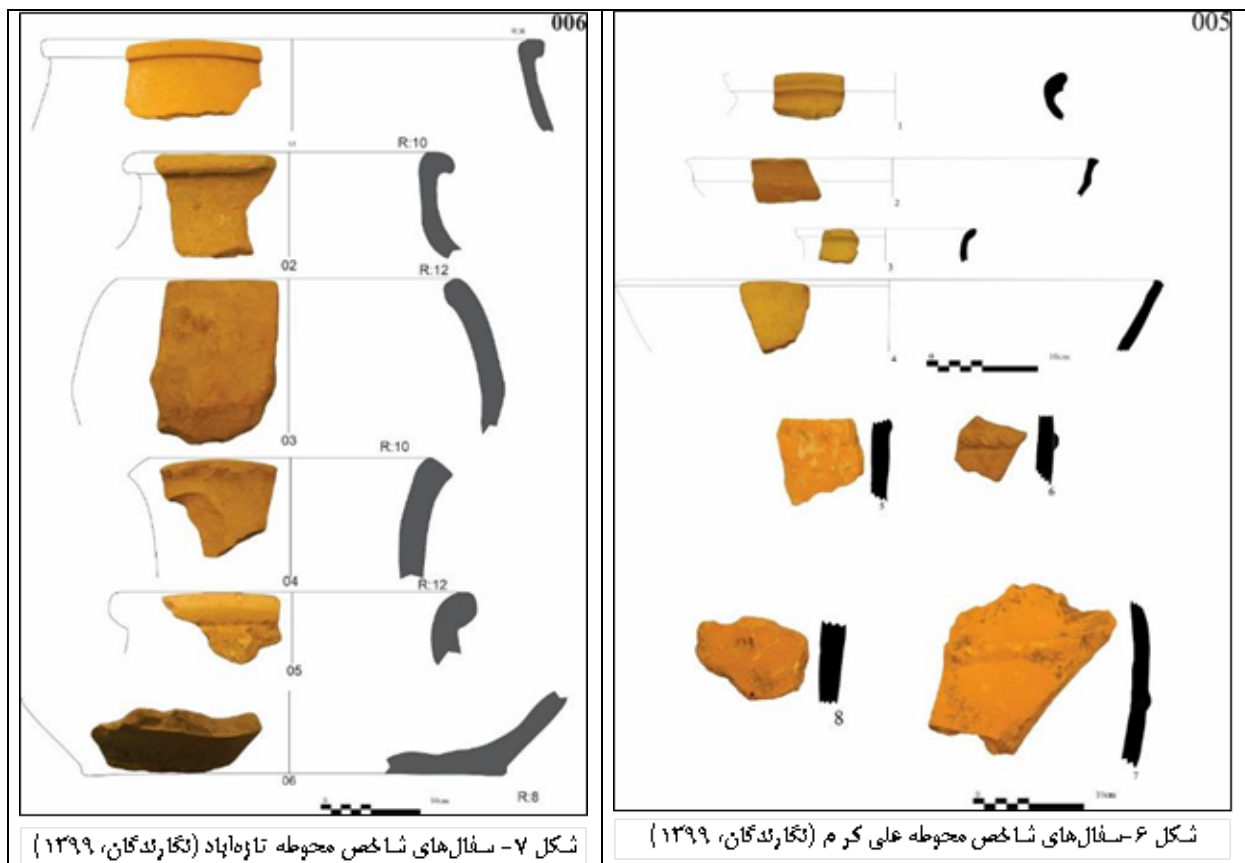
توزیع استقرارها با توجه به ارتفاع از سطح دریا

یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری استقرارها و چگونگی پراکنش محوطه‌ها میزان ارتفاع و ناهمواری‌های منطقه است (فتاحی و علی بیگی، ۱۳۹۹: ۹۵)، که تأثیر مهمی در شکل‌گیری استقرارهای باستانی دارد. بخش مرکزی گیلان غرب از دیدگاه ارتفاعی بر اساس جدول زیر در ۹ رده قرار می‌گیرد که در جدول شماره دو، پراکندگی محوطه‌ها بر اساس این متغیر لحاظ گردیده است (جدول ۲). بررسی یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که بیشترین میزان تراکم استقرارها در حدود ارتفاع ۶۱۶-۷۸۳ و ۷۸۳-۹۵۰ متری از سطح دریا شکل گرفته که در مجموع حدود ۴۸.۲۶ درصد از کل استقرارهای شناسایی شده را به خود اختصاص می‌دهد. کمترین پراکندگی محوطه‌ها نیز در ارتفاع مابین ۱۱۱۶ - ۹۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد که ۶/۸۹ درصد از کل محوطه‌های شناسایی شده را در بر می‌گیرد.

جدول ۱- محوطه‌های اشکانی بخش مرکزی گیلان غرب (نگارندگان، ۱۴۰۰)

ردیف	نام محوطه	مختصات جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا (متر)	ابعاد محوطه (متر)	ارتفاع از سطح زمین‌های اطراف (متر)
		X	Y			
۱	محوطه علی کرم ۲	3769240	0599127	۱۱۰۴	۱۱×۶	۸
۲	محوطه تازه‌آباد	3767745	0603059	۱۱۳۷	۵۷×۵۰	۲۲
۳	محوطه قوچگه کله سوند	3766590	0606711	۱۲۲۲	۱۰۰×۳۰	۲۸
۴	محوطه گوری	3766124	0608927	۱۲۰۲	۲۰×۱۰	-
۵	چشمه سنگی روتوند	3762111	0612970	۱۲۵۲	۸۵×۷۵	۱/۵
۶	قلای وارگه	3758112	0615624	۱۴۸۷	۱۳۰×۵۰	۲
۷	وارگه سفلی	3758301	0617187	۱۳۴۵	۶۰×۴۵	-
۸	چشمه پهن فریدون	3768810	600707	۱۱۰۴	۵۶×۲۸	-
۹	چشمه پهن فریدون ۲	E46 05.609	N34 03.369	۱۳۶۵	۱۴۰×۱۵۰	-
۱۰	محوطه اول و یار	3768810	0597530	۹۳۹	۱۲۵×۷۵	-
۱۱	کاسه گران ۲	3772617	0595162	۱۰۲۷	۱۸۰×۷۰	-
۱۲	محوطه میل یل	3780483	0582544	۷۷۰	۱۴۰×۷۰	-
۱۳	محوطه چیاولگه (آتشکده)	3782247	0581334	۷۴۹	۳۵×۲۶	۲
۱۴	محوطه مرجان قیطول	3789454	575765	۶۴۰	۵۵×۲۲	-
۱۵	محوطه گاومیش چران	3792544	0574220	۶۰۲	۱۲۸×۱۱۰	-
۱۶	محوطه موسی	3794609	0569828	۵۷۳	۵۰×۳۰	-
۱۷	چیاغرب	3778564	0583136	۷۸۶	۴۵×۳۵	۵
۱۸	میان‌رود ۲	3796852	581647	۶۸۶	۳۰×۲۵	۳
۱۹	تپه شاهمار	3796074	581652	۶۹۵	۱۲۶×۱۱۵	۹
۲۰	محوطه نیان	3766481	588303	-	۳۰×۱۵	-
۲۱	آتشکده صوفی	37778922	585697	۸۱۵	۳۱×۲۸	۱/۵
۲۲	محوطه قورتنک ۲	3765572	594577	۱۲۲۰	۱۰۰×۷۰	-
۲۳	محوطه نیزار	3762726	586923	۹۰۴	۸۰×۳۰	۲
۲۴	محوطه سرخ‌الدین سفلی	3781600	0582197	۶۵۹	۵۰×۳۵	۱
۲۵	محوطه آوزین	3784848	576276	۶۷۸	۳۵×۱۲	-
۲۶	محوطه توران ۱	3793486	570595	۵۹۸	۳۰۰×۱۵۰	۱
۲۷	محوطه قبرستان قاسم آباد	3795319	0571360	۵۹۹	۵۰×۲۰	۱
۲۸	محوطه گلخانه	3777365	0585256	۶۸۸	۲۰۰×۱۱۰	۷
۲۹	محوطه قلا	E45 55.198	N34 08.466	۸۰۶	۱۳۰×۹۶	۲۱

این موارد نشان می‌دهد که بیشترین تعداد محوطه‌ها در دشت و سرزمین‌های کم ارتفاع شکل گرفته است. ارزیابی مذکور تنها بر اساس استقرارهای موجود در منطقه صورت پذیرفته اما توجه به این نکته ضروری می‌نماید که در مناطقی چون دشت دیره با وجود بی‌پره‌مندی از ظرفیت بالای محیطی و فراهم بودن بستر لازم جهت شکل‌گیری استقرارهای متعدد طی ادوار مختلف و علی‌رغم رشد تعداد محوطه‌ها در سایر نقاط گیلان غرب، کمترین تعداد استقرار در دشت دیره شناسایی شده است (شکل ۸).



شکل ۸- توزیع استقرارهای اشکانی با توجه به شاخص ارتفاع (نگارندگان، ۱۴۰۰)

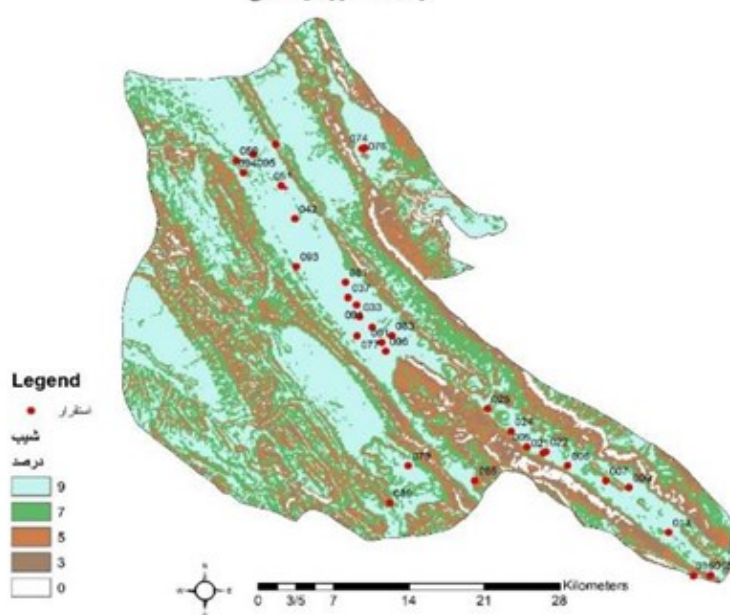
جدول ۲- توزیع استقرارها بر اساس متغیر ارتفاع (نگارندگان، ۱۴۰۰)

ردیف	ارتفاع	تعداد محوطه	درصد
۱	۶۱۶ - ۴۵۰/۶۶۷	۴	۱۳/۷۹
۲	۷۸۳ - ۶۱۶/۶۷	۷	۲۴/۱۳
۳	۹۵۰ - ۷۸۳	۷	۲۴/۱۳
۴	۱۱۱۶/۶۶۷ - ۹۵۰	۲	۶/۸۹
۵	۱۲۸۳/۳۳۳ - ۱۱۱۶/۶۶۷	۶	۲۰/۶۹
۶	۱۴۵۰ - ۱۲۸۳/۳۳	۳	۱۰/۳۴
۷	۱۶۱۶ - ۱۴۵۰	-	-
۸	۱۸۷۳ - ۱۶۱۶	-	-
۹	۱۹۵۰ - ۱۸۷۳	-	-

توزیع استقرارها با توجه شیب منطقه

ساختار زمین ریختی و شیب در هر منطقه از شاخص‌های اصلی در مطالعات هیدرولوژیکی است که علاوه بر تأثیر مستقیم روی شدت جریان آب، روی سایر خصوصیات فیزیکی حوزه‌ها نیز تأثیر دارد (رجایی، ۱۳۷۸: ۷۲). در این میان، فرسایش خاک ارتباط مستقیمی با شیب دامنه دارد؛ به‌طوری‌که با افزایش شیب، میزان فرسایش بالا می‌رود. همچنین نوع فرسایش در ارتباط با جهات مختلف، تغییر می‌کند. جهت‌های جغرافیایی از نظر جذب نور آفتاب، عامل اصلی در میزان رطوبت، تحول خاک و استقرار پوشش گیاهی و وضعیت تخریب و فرسایش دامنه است. جهت دامنه و تغییرات شیب آن نقش فراوانی در روند تغییرات ساختاری منطقه دارد (همان: ۷۲). برای مطالعه شیب منطقه، بخش مرکزی گیلان غرب در ۹ بخش دسته‌بندی شده است، در شیب ۹ درصد ۱۹ محوطه (۶۵/۵۱ درصد)، شیب ۷ درصد ۸ محوطه (۲۷/۵۸ درصد) و در شیب ۵ درصد، ۲ محوطه (۶/۹ درصد) قرار گرفته است (جدول ۳). با توجه ظرفیت مناسب دشت گیلان غرب برای شکل‌گیری استقرارهای اشکانی و شیب مناسب این منطقه، اقتصاد معیشتی این منطقه احتمالاً از نوع کشاورزی آبی و دیم بوده است. دهستان ویژنان که کمترین میزان پراکندگی استقرارها را دارد، با توجه به جغرافیای طبیعی منطقه و ظرفیت مناسب مراتع، استقرارها این منطقه از نوع دامپروری و کوچ‌روی بوده است، لازم به ذکر است تعداد محدود استقرارهای ویژنان، احتمالاً ناشی از آسیب‌های جدی، همچون تسطیح و تخریب محوطه‌ها است که باعث شده، امروزه دیگر نشانی از استقرارهای باستانی باقی وجود نداشته باشد (شکل ۹).

موقعیت استقرارهای اشکانی



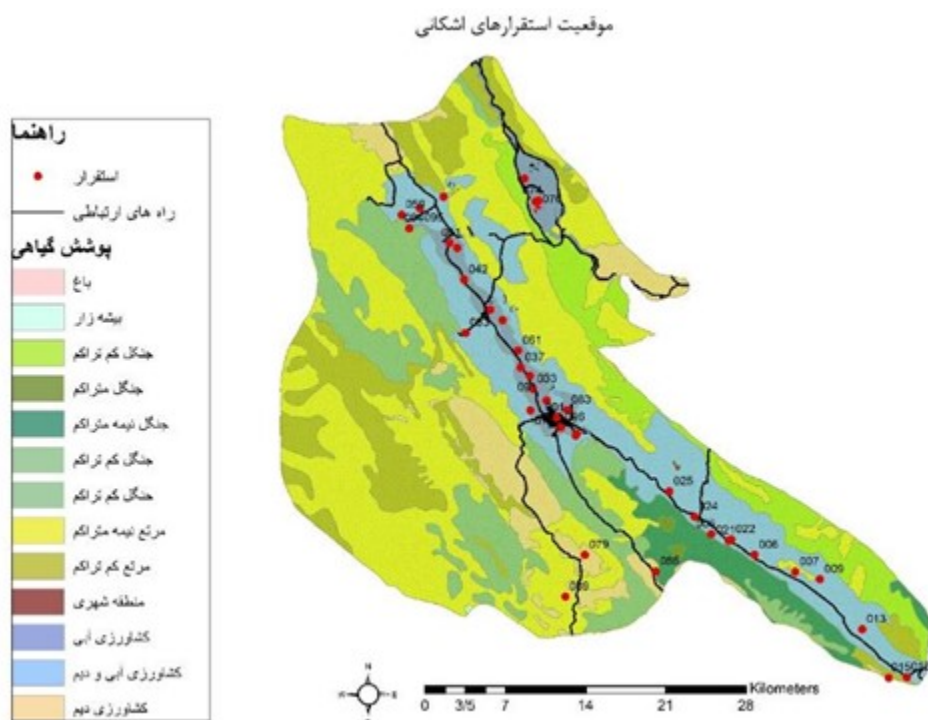
شکل ۹- توزیع استقرارها با توجه به شیب منطقه (نگارندگان، ۱۴۰۰)

جدول ۳- توزیع استقرارها بر اساس متغیر شیب (نگارندگان، ۱۴۰۰)

ردیف	شیب منطقه	تعداد محوطه	درصد
۱	۹	۱۹	۶۵/۱۹
۲	۷	۷	۳۷/۵۸
۳	۵	۷	۶/۹
۴	۳	۲	-
۵	۰	۶	-

توزیع استقرارها با توجه به پوشش گیاهی

گونه‌های پوشش گیاهی مناطق، یکی از عوامل تعیین کننده در طبقه‌بندی اقلیم‌های گوناگون است. پوشش گیاهی هر منطقه، نقش مهمی در رژیم غذایی، سبک معیشت و بازرگانی آن دارد. رویش گیاهی منطقه از وضعیت اقلیمی آن تبعیت می‌کند. این منطقه دارای اکوسیستمی غنی بوده و گونه‌های گیاهی از جمله درختان بلوط، زالزالک، بنه، آلبالوی وحشی، پسته کوهی و برخی گیاهان کمیاب دارویی همانند درختچه «مورد» سبز و سیاه و گونه بسیار نادر آن «مورد» سفید و نیز درختچه قره قاچ و مراتع متوسط تا غنی است (علیزاده گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۰). برای بررسی وضعیت و قرارگیری استقرارها نسبت به انواع پوشش گیاهی ۱۰ دسته متفاوت مدنظر قرار گرفته که از این تعداد ۳۷/۹۳ درصد محوطه‌ها در مناطق و زمین‌های باقابلیت کشاورزی آبی، ۴۱/۳۸ درصد از استقرارها در مناطقی که قابلیت کشاورزی آبی و دیمی را به‌صورت توأمان داشته است و ۶/۸۹ درصد در جنگل‌های نیمه متراکم، ۶/۸۹ درصد در مراتع نیمه متراکم و ۶/۸۹ درصد از آن‌ها در مراتعی با تراکم کم واقع شده است (شکل ۱۰).

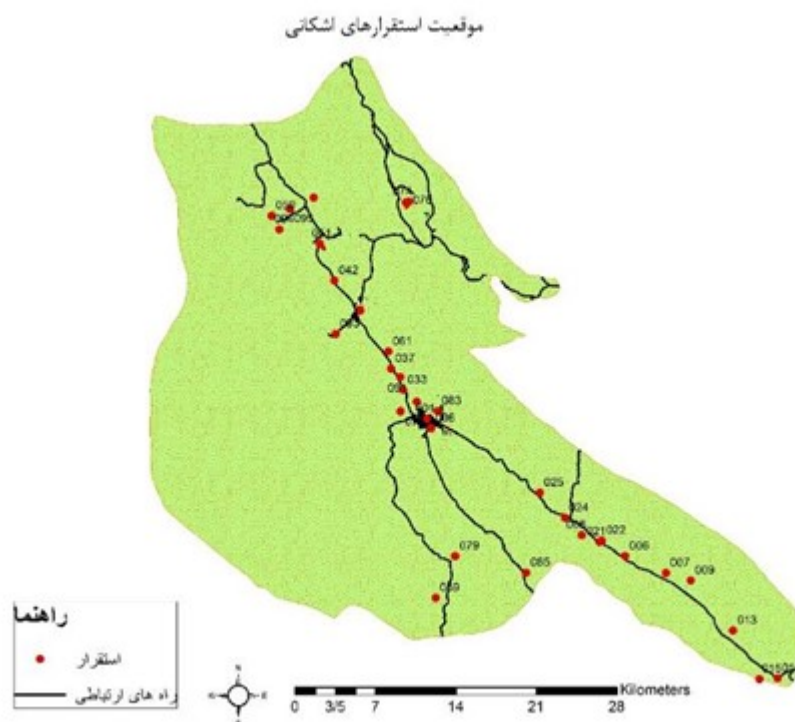


شکل ۱۰- توزیع استقرارها با توجه به پوشش گیاهی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

توزیع استقرارها با توجه به مسیرهای ارتباطی

توسعه و رشد جوامع بشری در طول تاریخ همواره نیازمند برقراری ارتباطات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده که جملگی وابسته به مسیرهای مواصلاتی و جاده‌ها بوده است. در این میان یکی از مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی با سابقه تاریخی طولانی، مسیر مواصلاتی غرب به شرق با عنوان «جاده خراسان بزرگ» بوده که نقشی به‌سزا در تسهیل روند تجارت کالاهای مهم و اساسی در طول تاریخ داشته است. نتایج حاصل از بررسی‌ها و مطالعاتی باستان‌شناسی حوزه زاگرس مرکزی مؤید نقش محوری این مسیر در شکل‌گیری استقرارهای ادوار مختلف این منطقه است (Majidzadeh, 1982).

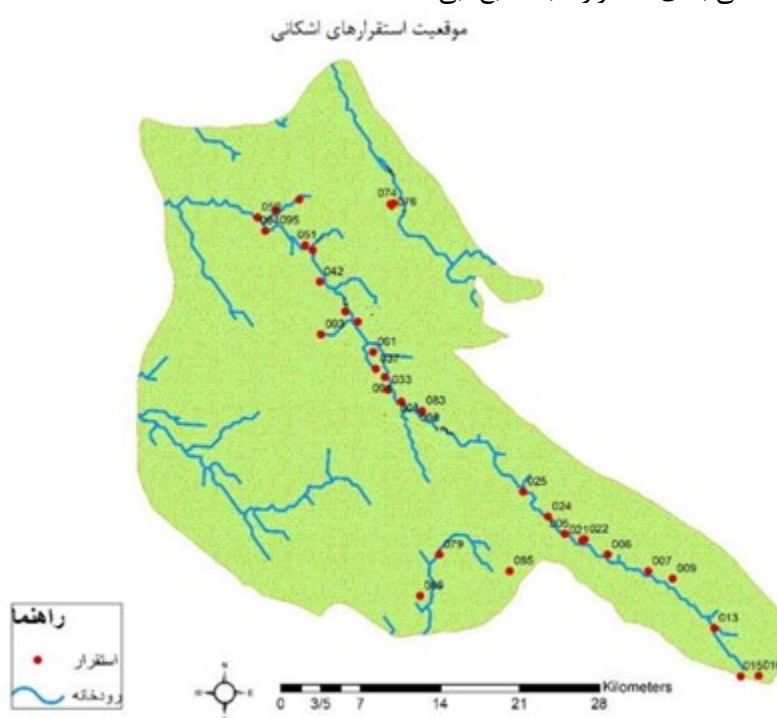
گیلان غرب سه ورودی و خروجی به شهرهای اسلام‌آباد غرب، سومار و سرپل‌ذهاب- قصرشیرین دارد. نخستین راه‌های مواصلاتی شوسه در دوره پهلوی اول احداث گردید. در ایام جنگ هشت ساله ایران و عراق به‌جز جاده گیلان غرب به قصر شیرین که آسفالت بود و بقیه راه‌ها شوسه و در این هشت سال بود که سایر جاده‌ها نیز آسفالت و تکمیل گردید. یک شاخه از این راه سمت قصر شیرین و از طریق ناودار و یا چله به ایوان غرب و لرستان می‌رسد؛ مسیر دیگر از طریق گردنه ملیه‌نه به اسلام‌آباد غرب می‌رفته است. علاوه بر این مسیرها، کوره‌راه‌های دیگری در معابر کوهستانی بوده‌اند. مسیر تنگه حاجیان با سرپل‌ذهاب و نقاط شمالی و از طریق گردنه انارک با مناطق جنوبی و شهرهای مرزی کشور عراق ارتباط داشته است (علیزاده گیلانی، ۱۳۹۰: ۸). در این بخش توزیع استقرارهای اشکانی و فاصله‌ی آن‌ها تا مسیرهای مواصلاتی و جاده‌های اصلی سنجش شده، با توجه به نقشه‌های مستخرج از نرم‌افزار GIS می‌توان به این نتیجه دست یافت که بخش عمده‌ای از استقرارهای مطالعه شده، در نزدیکی مسیرهای ارتباطی، شکل گرفته‌اند. فاصله محوطه‌ها با مسیرهای ارتباطی و جاده‌های مجاور محوطه‌ها در دهستان حومه و چله معمولاً از ۲۰۰ متر تا ۴۰۰ متر و در بخش‌های کوهستانی و یژنان و بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ متر متغیر است (شکل ۱۱).



شکل ۱۱- توزیع استقرارها با توجه به مسیرهای ارتباطی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

توزیع استقرارها با توجه نزدیکی به رودخانه‌ها و منابع آبی

نقش منابع آب و امکان دسترسی و بهره‌برداری از آن به‌عنوان متغیری تعیین‌کننده در شکل‌گیری استقرارهای باستانی طی ادوار مختلف، انکارناپذیر است. طی ادوار مختلف، آب علاوه بر این که نقش تعیین‌کننده‌ای که در حیات انسان دارد از جایگاه بی‌بدیلی در میان سایر متغیرهای زیست‌محیطی برای شکل‌گیری استقرارها در طول تاریخ داشته است. این متغیر در کنار اراضی حاصل‌خیز و راه‌های ارتباطی از عوامل مهم توسعه استقرارها به‌حساب می‌آید (فتاحی و علی بیگی، ۱۳۹۹: ۹۵). در گیلان غرب رودخانه‌ها، سراب‌ها و چشمه‌های زیادی وجود دارد. سراب گیلان غرب سرچشمه تأمین آب آشامیدنی شهر گیلان غرب و دهستان ویژنان است و از آب آن برای آبیاری مزارع اطراف شهر هم استفاده می‌شود. این سراب سرچشمه رودخانه گیلان است که در منطقه تنگاب (ته‌نگاو) به خاک عراق می‌ریزد (طرح توسعه و عمران، ۱۳۸۴: ۱۸). نقشه GIS پراکندگی محوطه‌ها بر اساس منابع آبی و رودخانه نشان می‌دهد، تمامی محوطه‌های اشکانی در فاصله‌ای نزدیک به منابع آبی ازجمله رودخانه‌های دایمی و فصلی تشکیل گردیده، که فاصله این محوطه‌ها تا رودخانه‌ها معمولاً بین ۷۰ متر تا ۲۵۰ متر متغیر است (شکل ۱۲)؛ این وضعیت حاکی از وابستگی بالای استقرارها به منابع آبی است.



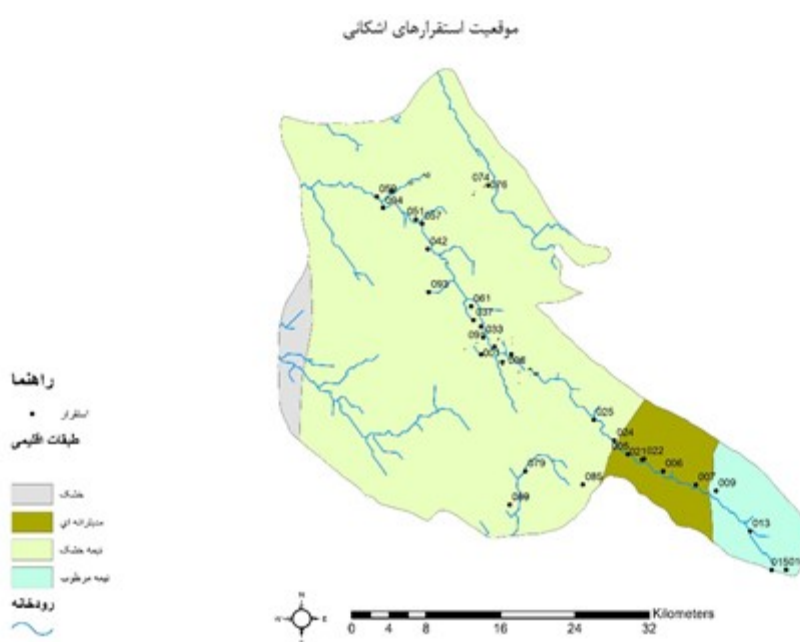
شکل ۱۲- توزیع استقرارها با توجه به نزدیکی به رودخانه‌ها و منابع آبی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

توزیع استقرارها با توجه به وضعیت آب و هوایی

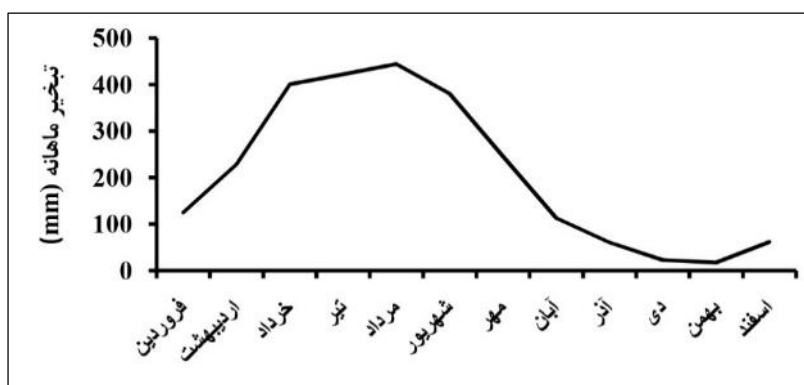
آب‌وهوای استان کرمانشاه معتدل کوهستانی است. صرف‌نظر از مناطق غربی و مرزی این استان که در مجاورت کشور عراق قرارگرفته، بقیه مناطق استان از نظر آب و هوایی تحت تأثیر عوامل اصلی و فرعی دیگری است که وضعیت اقلیمی این ناحیه را تشکیل می‌دهد. عوامل اصلی عبارت‌اند از:

ارتفاعات: ارتفاعات این استان که در مقابل جریان‌های مرطوب غربی قرار گرفته و معمولاً دامنه‌های این کوهستان‌ها، خصوصاً دامنه‌های رو به غرب دارای رطوبت بیشتر و دامنه‌های رو به شرق خشک‌تر و دارای نزولات جوی کمتری است. ورود جریان هوای مرطوب نواحی مدیترانه به حوزه زاگرس مرکزی و حدود استان کرمانشاه، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری توده‌های باران‌زا در این ناحیه است. مقدار بارندگی در مناطق مختلف برحسب ارتفاع تفاوت‌هایی دارد، چنانچه دشت‌های محصور داخلی و برخی از جلگه‌های دارای بارندگی کمتر و در مناطق مرتفع معمولاً از آذرماه آغاز و تا اسفند ادامه می‌یابد. در مناطق کوهستانی چندین ماه از سال برف در ارتفاعات می‌ماند و درجه حرارت تا ۱۵- درجه سانتی‌گراد پایین می‌آید. فصل زمستان در این

مناطق طولانی است که با بهاری کوتاه به تابستان می‌رسد. اما در دشت‌ها و جلگه‌های آن، گرمای بیشتر و تابستان‌های طولانی‌تری دارند (فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور، ۱۳۸۱: ۲۴) (شکل ۱۴). موقعیت شهر گیلان غرب به گونه‌ای است که می‌توان آن را نقطه‌ای بین سردسیر و گرمسیر دانست به طوری که در جهت شرق به منطقه سردسیر و در جهت غرب و جنوب به منطقه گرمسیر ختم می‌شود (علیزاده گیلانی، ۱۳۹۰: ۱۶ و ۱۷). بر اساس گزارش‌های اداره کل هواشناسی استان کرمانشاه مجموع بارندگی سالیانه ناحیه گیلان غرب ۳۴۰/۴ میلی‌متر است (طرح توسعه و عمران، ۱۳۸۵: ۶۵). میانگین رطوبت نسبی در ایستگاه گیلان غرب ۴۷/۵ درصد است (همان: ۶۷). در سنجش پراکندگی استقرارهای اشکانی بر اساس نقشه GIS، ۱۳/۷۹ درصد محوطه‌ها در منطقه نیمه مرطوب، ۶۸/۹۶ درصد محوطه‌ها در منطقه نیمه خشک و ۱۷/۲۴ درصد در منطقه مدیترانه‌ای قرار دارند (شکل ۱۳).



شکل ۱۳- توزیع استقرارها با توجه به نزدیکی به وضعیت آب و هوایی (نگارندگان، ۱۴۰۰)



شکل ۱۴- نمودار میزان تبخیر شهرستان گیلان غرب (سازمان هواشناسی استان کرمانشاه، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

در بررسی بخش مرکزی گیلان غرب، ۲۹ محوطه قابل انتساب به دوره اشکانی شناسایی گردید و الگوی پراکندگی آن‌ها در نواحی مرکزی دشت گیلان غرب با توجه به متغیرهای جغرافیایی و محیطی سنجیده شد. در تحلیل ارائه شده عوامل محیطی نظیر ارتفاع از سطح دریا، دسترسی به منابع آبی، پوشش گیاهی، دسترسی به مسیرهای ارتباطی، آب‌وهوا و شیب منطقه مد نظر قرار گرفت و نقش هر یک از آن‌ها در شکل‌گیری استقرارهای مکشوفه دوره اشکانی بررسی شد. دشت گیلان غرب به دلیل شرایط مناسب و مطلوب زیست‌محیطی از دوره نوسنگی تا پایان دوران تاریخی با روند رو به رشد تشکیل استقرارهای نو، طی هر دوره بوده است. با ارزیابی‌های صورت گرفته مشخص شد که نقش متغیرهایی همچون ارتفاع، دمای محیط، دسترسی به منابع آبی و ... در شکل‌گیری استقرارها نقش به‌سزایی داشته‌اند. با توجه تغییرات و دخالت‌های انسانی در محیط به‌ویژه توسعه کشاورزی شاهد تخریب و تسطیح شدید محوطه‌ها هستیم؛ چنانچه در این بررسی به‌جرات می‌توان اذعان داشت بیش از ۹۰ درصد محوطه‌ها تسطیح و به زمین‌های کشاورزی الحاق گردید و محوطه‌های مدنظر این پژوهش تنها با کمک شواهد فرهنگی باقی‌مانده، به ثبت رسیده‌اند. الگوی پراکندگی محوطه‌ها از دهستان حومه تا چله و دیره به‌صورت خطی در امتداد رودخانه‌ها و منابع آبی برای افزایش سهولت دسترسی به آب و در نزدیکی زمین‌های مرغوب برای کشاورزی و نیز مراتع برای چرای دام‌ها، نشان از این موضوع مهم دارد که احتمالاً الگوی معیشتی در این دوره بر پایه کشاورزی آبی، دیمی و گله‌داری شکل گرفته است. استقرارهای اشکانی موجود در بخش ویژنان شامل محوطه‌های شماره ۰۷۹ و ۰۸۹ و دو محوطه شماره ۰۹۴ و ۰۵۹، برخلاف الگوی پیش گفته در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای شکل گرفته که بر همین مبنا و به دلیل نبود امکان کشاورزی، احتمال پیروی از الگوی استقرارهای عشایری و کوچ‌رو در باره‌ی آن‌ها مطرح است. در دهستان دیره علی‌رغم وجود جاذبه‌های محیطی و بستر مستعد برای شکل‌گیری استقرارها طی این دوره، تنها دو محوطه از دوره اشکانی در حدود آن شناسایی شده که عمده دلیل آن را می‌توان در توسعه اراضی کشاورزی، طی دوره جاری دانست که موجب از بین رفتن بخش قابل توجهی از محوطه‌ها شده است (شکل ۴ و ۵). در بین استقرارهای بخش مرکزی گیلان غرب، تپه قلا و لایه‌های فرهنگی قابل انتساب به استقرار اشکانی آن را با توجه به موقعیت قرارگیری محوطه و همچنین وسعت و اندازه آن می‌توان به عنوان محوطه مرکزی این منطقه معرفی کرد.

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر سجاد علی بیگی برای مطالعه مقاله و ارائه پیشنهادها سازنده کمال تشکر و قدردانی را داریم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بررسی بخش مرکزی گیلان غرب در پاییز ۱۳۹۹ با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی انجام شد.
۲. ذکر این نکته ضروری است که در تحلیل الگوی استقرار محوطه‌های دوران تاریخی (اشکانی) داده‌های دیرین اقلیم‌شناسی، نقش مهمی در تحلیل‌ها دارد، اما علی‌رغم اهمیت این موضوع اطلاعاتی در این باره در خصوص منطقه گیلان غرب و نواحی پیرامون آن در دست نیست.
۳. کوه‌های زاگرس بر اساس شکل چین خوردگی‌ها، مسیرهای طبیعی معدودی فراهم آورده‌اند و در این میان رفت‌وآمد و برقراری ارتباط با مناطق هم‌جوار همچون عراق و میان‌رودان اغلب از این راه‌های اصلی امکان‌پذیر بوده است. بر اساس توپوگرافی منطقه، فقط چند راه اصلی در غرب زاگرس وجود دارد و راه‌های فرعی و محلی عموماً به دره‌ها و دشت‌های اغلب بن‌بست، منتهی می‌شود. این راه‌ها اصلی عبارت‌اند از: راه مریوان، پاوه، سرپل زهاب و گیلان غرب، (فتاحی و علی بیگی، ۱۳۹۹: ۱۰۲).

4. Kangir

5. Guvaver

۶. لازم به ذکر است که تمامی مسیرهای اشاره شده، جاده‌های جدید هستند و با توجه به مجموع عوامل و سایر متغیرها، احتمالاً مسیرهای ارتباطی باستانی، تفاوت چندانی با مسیرهای امروزی نداشته‌اند.

کتابنامه:

۱. آذرنوش، مسعود، شریفی، علی، نوروزی، آصف، ۱۳۹۲، «معرفی و دسته‌بندی سفال‌های اشکانی به‌دست‌آمده از کاوش‌های دور دوم تپه هگمتانه (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵)»، مجموعه مقالات باستان‌شناسی و تاریخ شهر همدان به مناسبت یک‌صدمین سالگرد کاوش در همدان، به کوشش علی هژبری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و صنایع‌دستی و گردشگری، صص: ۱۷۳-۱۸۹.
۲. بهبودی، نغمه، ۱۳۸۰، کاربرد سیستم‌های جغرافیایی در تحلیل شهرهای باستانی، پژوهش موردی: دژ-شهر اورارتویی بسطام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
۳. حیدریان، محمود، قربانی، حمیدرضا، عرب، حسنعلی، پارسه، شهرام، «سیستم اطلاعات جغرافیایی در پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، پیشینه، روند و مشکلات»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۴۳-۶۵.
۴. خسروزاده، علیرضا، نوروززاده چگینی، ناصر، نظری، ناصر، ۱۳۹۹، «توصیف طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های اشکانی به‌دست‌آمده از دور دوم کاوش‌های قلعه یزدگرد»، مطالعات باستان‌شناسی دوره ۱۲، شماره ۱، بهار، صص: ۱۱۸-۱۳۶.
۵. راولینسون، سرهنری ۱۳۶۲، سفرنامه‌ی راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)، ترجمه اسکندر امان‌الهی بهاروند، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول.
۶. رضوانی، حسن، ۱۳۸۳، گزارش کاوش باستان‌شناسی محوطه پشت سد کلاشیک گیلان غرب، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
۷. رجایی، عبدالحمید ۱۳۷۸، ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی، تهران، سمت.
۸. رهبر، مهدی، علی بیگی، سجاد، ۱۳۹۰، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناسی به منظور مکان‌یابی معبد لائودیسه در نهاوند»، پیام باستان‌شناس، سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان، صص: ۱۳۳-۱۶۰.
۹. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (معاونت سنجش‌ازدور و جغرافیا- اداره کل جغرافیایی) ۱۳۸۰، تهران، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
۱۰. سازمان هواشناسی استان کرمانشاه ۱۳۹۰، آمارهای بارندگی دما و تبخیر شهرستان گیلانغرب، کرمانشاه.
۱۱. طرح توسعه و عمران (جامع) ۱۳۸۵، ناحیه اسلام‌آباد غرب شامل: شهرستان‌های اسلام‌آباد غرب، دالاهو، گیلان غرب، سرپل ذهاب، و قصرشیرین، جلد اول شناخت وضع موجود منطقه و ناحیه، کرمانشاه.
۱۲. عبدی، کامیار، ۱۳۸۰، «پژوهش‌های باستان‌شناختی در دشت اسلام‌آباد غرب گزارش مقدماتی فصل یکم، ۱۳۷۷ و فصل دوم، ۱۳۷۸» باستان‌شناسی و تاریخ، سال چهاردهم شماره ۱ پیاپی ۲۷، بهار.
۱۳. علی بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه پارتی بیستون»، پیام باستان‌شناس، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان، صص: ۳۹-۶۹.
۱۴. علیزاده، عباس ۱۳۹۳، مبانی نظری و عملی در باستان‌شناسی، تهران، انتشارات ایران نگار، چاپ دوم.
۱۵. علیزاده، علی‌اکبر ۱۳۹۰، تاریخ و جغرافیای تاریخی گیلان غرب، کرمانشاه انتشارات باغ نی، چاپ اول.
۱۶. فتاحی، فرهاد، علی بیگی، سجاد، ۱۳۹۹، «زیستگاه‌های اواخر دوره هلوسن میانی کوهپایه‌های غربی زاگرس در بستر جغرافیا (بررسی رابطه بستر محیطی و عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری محوطه‌های هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پیش از میلاد منطقه سرپل ذهاب، کرمانشاه)»، فصلنامه کواترنری، ایران دوره ۶، شماره ۱، بهار، صص: ۸۵-۱۱۳.
۱۷. فرمانی، داریوش، ۱۳۸۰، بررسی باستان‌شناختی گیلان غرب، میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
۱۸. گلزاری، مسعود و محمدحسین جلیلی، بی تا، کرمانشاهان باستان، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

۱۹. مافی، فرزاد، بهنیا، علی، بهرام زاده، محمد، ۱۳۹۹، «توصیف و طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال دوره اشکانی شهرستان قروه (کردستان)»، پیام باستان‌شناس، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان، صص: ۸۵-۱۰۴.
۲۰. مجیدزاده، یوسف، ۱۳۶۶، «سنگ لاجورد و جاده بزرگ خراسان»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان، صص: ۲-۱۲.
۲۱. میرقادری، محمدامین، حسینی، سیده پرستو، علی بیگی، سجاد، نیکزاد، میثم، ۱۳۹۲، «تحلیل الگوهای استقرار عصر مفرغ میانی و جدید دشت سر فیروزآباد در جنوب کرمانشاه، غرب زاگرس مرکزی»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۱۲۷-۱۴۳.
۲۲. نوری، رضا، ۱۳۸۶، گزارش بررسی، شناسایی، مستند نگاری، و تعیین حریم محوطه‌های تاریخی شهرستان گیلان غرب، جلد اول: بخش گاور، پاییز و زمستان، سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه (منتشر نشده).
۲۳. نیکنایی، کمال‌الدین، علی بیگی، سجاد، نیکزاد، میثم، حیدری دستنایی، محسن، زینی‌وند، محسن، رضایی، ایرج، مهبوبی، سیروان، ۱۳۹۴، «آثار و استقرارهای دشت سرفیروزآباد کرمانشاه از دوران پارینه سنگی تا دوره قاجار: فصل نخست بررسی‌های باستان‌شناختی در منطقه»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دهم و یازدهم، ۱۳۹۲-۱۳۹۳، صص: ۶۰-۷۹.
۲۴. ونکه، رابرت جی ۱۳۸۱، غرب ایران در دوره پارت و ساسانی: تغییر شاهنشاهی (باستان‌شناسی غرب ایران)، زیر نظر فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت، چاپ اول.
۲۵. هرینک، ارنی ۱۳۷۶، سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه: حمیده چوبک، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول.
۲۶. هژبری نوبری، علیرضا، بیشونه، رافائل، جودی، نسا، «الگوهای استقرار محوطه‌های عصر مفرغ حوضه اترک در شمال شرق ایران»، مطالعات باستان‌شناسی دوره ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صص: ۲۹۳-۳۱۷.
۲۷. هول، فرانک ۱۳۸۱، موضوعات و مشکلات باستان‌شناسی ایران (باستان‌شناسی غرب ایران)، زیر نظر فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت، چاپ اول.
۲۸. هول، فرانک، ۱۳۹۴، «رویکردها و روش‌ها در بررسی‌های باستان‌شناختی»، ترجمه: میثم نیکزاد و مجتبی چرمچیان، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دهم و یازدهم، ۱۳۹۲-۱۳۹۳، صص: ۸۰-۱۰۴.

29. Alibaigi, S. 2019. "The Gawri Wall: a possible Partho-Sasanian structure in the Western foothills of the Zagros Mountains", *Antiquity*, Project Gallery 93 (370) : 1-8.
30. Abdi, K. 1999. "Archaeological Reserch in the Islamabad Plan, Central Western Zagros, Mountains: Preliminary Results from the First Season Summer 1998", *Iran* 37: 32- 44.
31. Hol, F. 1980. "Archaeological Survey in Suthwest Asia", *Paleorient* 6 (1) : 21-44.
32. Khosrowzadeh, A. N. N. Z. Chegini, S. Nazari. 2018. "Description, classification and typology of the excavated Parthian pottery from Qal'eh-i Yazdigird", *Kermanshah province, Iran, Parthica* 20:112-135.
33. Madjidzadeh, Y. (1982). "Lapis Lazuli and the Great Khorasan Road", *Paléorient*, 8/1, pp. 59-69.
34. Mohammadifar, Y. P. Mansouri, H. Rezvani. 2014. "Preliminary report on the salvage excavation at the Kolāšeg, Guilan-e Gharb of Kermanshah, Iran", *Global Journal of Human-Social Science: D History, Anthropology & Archaeology, USA*, pp29-48
35. Moradi, Y. 2016 "On the Sasanian fire temples: new evidence from the- Cahar-Taq of Mil-e Milagah", *Parthica* 18:73-96.
36. Stein, M. A. 1940. *Old Routes of Western Iran*, London.
37. Vanden Beraghe, L. 1977, " 37. Les Chahar Tags du Pusht-i Kuh Luristan", *Iranica Antiqua* 12, p-175- 195.